

دریچه

اظهارات متفاوت شهردار تهران ادامه دارد

تناقضاتی

به نام سیاست تعدیل نیرو

● **شرق**: از همان روزهای ابتدایی تغییر مدیریت در شهرداری تهران موج نگرانی‌ها را تعدیل نیرو و جابه‌جایی نیروها در سطوح مختلف مطرح شد. اتفاقی که رخ داد اما در آن حجم و ابعاد و گستردگی‌ای که تصور می‌شد، نبود. بسیاری از بخش‌ها از جمله سازمان روزنامه‌های مشهوری تغییرات اساسی داشتند و در برخی از مناطق و شرکت‌های زیرمجموعه نیز تعدیل‌هایی به‌ویژه در سطح پیمانکاران اتفاق افتاد. هم‌زمان شهرداران وقت تهران همراه با اعضای شورای اطمینان می‌دادند که تغییرات گسترده نیست، کارکنان تعدیل‌شده با تابلوها، بنرها و شعارهای اعتراضی جلوی شورا و شهرداری در خیابان بهشت تجمع اعتراضی داشتند و خبرهای تغییرات تا همین امروز ادامه دارد.

در این حدود سه سالی که از دور جدید مدیریت شهری گذشته است، شورا و شهرداری تهران بارها درباره اعمال سیاست‌های اصلاحی در حوزه منابع انسانی اعلام موضع کردند و هر بار اعلام موضع با اخباری ضدونقیض و واکنش‌هایی در بدنه شهرداری تهران همراه بود. در سال ۹۶ و در ابتدای دوره محمدعلی نجفی به‌عنوان اولین شهردار دوره جدید خبرهایی برای تعدیل ۱۰ هزار نفری نیرو اعلام شد که همه را نگران کرد. محسن هاشمی در نامه‌ای به نجفی خواستار تعدیل چهاردرصدی نیروهای شهرداری شد. او اعلام کرد که به‌موجب ماده ۱۱۷ مصوب برنامه پنج‌ساله دوم شهرداری تهران در سال ۹۳ موظف است به بررسی صلاحیت عمومی و ارزیابی شایستگی‌ها و عملکرد تمامی کارکنان قراردادی و ساماندهی نیروی انسانی به نحوی که حداقل چهار درصد از نیروهای قراردادی کاهش یابد، اقدام کند. او گفته بود که با عنایت به ساختار نامتناسب نیروی انسانی شهرداری تهران افزوده‌شدن بیش از ۱۰ هزار نفر در ۱۸‌ماهه پایانی دوره مدیریت قبلی و ضرورت اجرای مصوبه مذکور، سیاس‌گزار است دستور فرمایید تا قبل از پایان سال جاری گزارش حسن اجرای ماده مذکور را در تمامی سطوح سازمانی تهیه و به شورای اسلامی شهر تهران ارائه کنند. اما پیش از این داستان، محمدعلی نجفی دراین‌باره گفته بود: «به‌هیچ‌عنوان قصد تعدیل و اخراج کارکنان البته اگر کسانی اهل کار نباشند یا معلوم شود با زدو بند وارد سیستم شده یا در محل کار نبوده و حقوق می‌گرفتند، حساب آنها جدا است اما باید از سایر کارکنان استفاده بهینه کنیم». اما این نامه و دستور در نهایت هم اجرایی نشد و اگرچه تعدیل به تغییر به شکل نامحسوس ادامه داشت اما رقم آن به ۱۰ هزار نفر نرسید.

در دوره شهردار بعدی یعنی محمدعلی افشانی هم همین روند متضاد در عمل و گفتار ادامه داشت. او هم گفت که تعدیل نیرو باید ضابطه‌مند باشد اما این تعدیل و جابه‌جایی و آمدن افرادی متفاوت به‌ویژه در سطوح مدیریتی همچنان ادامه داشت. اما از آنجایی که دوره مدیریت افشانی هم مثل نجفی کوتاه بود، این برنامه‌ریزی زیاد طول نکشید. در دوره شهردار فعلی تهران هم این سیاست با تکلیف‌درباره نیروی انسانی ادامه داشت. حاجی که در این یک‌سال‌وادی حضورش در شهرداری به قول رسانه‌ها و خبرنگاران با سیاست حرکت در سایه و کمترین واکنش و اظهارنظر در موضوعات مختلف تاکنون پیش رفته در این مدت اظهارات متفاوت و متناقضی داشته است. او اردیبهشت اسمال در گفت‌وگویی اشاره کرده بود که در شرایط اقتصادی فعلی به دنبال تعدیل نیروی انسانی نیستیم و در پی ایجاد کار بیشتر هستیم و برنامه‌ای برای تعدیل نیروهای شهرداری تهران نداریم. درعین حال او روز گذشته در پاسخ به ایلنا اعلام کرده تعداد نیروها کاهش یافته است. او در پاسخ به این سؤال که در آغازین روزهای حضورشان در شهرداری اعلام کرده بودند ۶ هزار درصد کاهش نیرو در شهرداری تهران اتفاق خواهد افتاد، پس از یک سال از حضور شما در شهرداری چقدر تعدیل نیرو محقق شده است، گفت: در زمان روی کار آمدن دوره پنجم مدیریت شهری حدود ۶۷ هزار و ۵۰۰ نفر پرسنل در شهرداری تهران مشغول به کار بودند اما اکنون تعداد کارکنان شهرداری تهران به حدود ۶۴ هزار نفر کاهش یافته است. شهردار تهران تصریح کرد: البته این را هم باید بگویم که نیروی جدید زیادی در شهرداری تهران جذب نشده است.

شهرداری تهران در سال‌های گذشته به‌جای اجرای سیاست‌های اصلاحی در زمینه منابع انسانی و اجرای همان ماده ۱۱۷ قانون برنامه سوم با اقداماتی یکباره و سیاسی اقدام به جذب نیروهایی چندهزار نفری در برخی از قسمت‌ها کرد؛ نیروهایی که نته‌ها باری بر سیستم بودند بلکه شرایط را برای سازمان‌های خود سخت کردند. نمونه بارز این اقدام هم جذب چند هزارنفری افراد غیرمرتبط در شرکت بهره‌برداری مترو تهران بود که در جریان حسابرسی سال ۹۳ شهرداری تهران جزئیات آن آشکار شد و تا امروز شرکت بهره‌برداری مترو نتوانسته همه این نیروها را در جای مناسبشان قرار دهد.

محمد باقرزاده: «حشمت‌الله» در راه سفر به زاهدان

و تمدید کارت اقامتش بود که زنی ناشناس آن طرف خط، خبری را به گوشش رساند؛ دختر کوچک شما سالم ولی در بیمارستان است. دست «زنب»، دختر هشت‌ساله حشمت‌الله، چادر مادر را رها کرده بود و همین جاماندن از مادر، جانش را نجات داد. او شماره تماس پدرش را به پرستاران بیمارستان داد که خبر گم‌شدن مادر و خواهرش را اطلاع دهند. حشمت‌الله بیمارستان به بیمارستان گشت و در نهایت پیکر بی‌جان دختر ۱۳‌ساله و همسر ۳۴‌ساله‌اش را در سردخانه بیمارستان شفا پیدا کرد. شب که به خانه رسید، خبر به فامیل کوچک مهاجرش هم رسیده بود: «از در که داخل آمدم، زنب سفت من را در بغل گرفت و گفت دیدی نتوانستی مادرم را نجات بدهی، مادرم همه‌اش تو را صدا می‌زد، ولی تو نجاتش ندادی.» خانواده شش‌نفره رحیمی در اواسط روز سه‌شنبه، ۱۷ دی، چهارنفره شد و دو نفر را برای همیشه از دست داد؛ «معصومه نبوی» و «دنیا رحیمی» دو نفر از آن ۶۲ نفری هستند که با پای خود به میدان آزادی و بدرقه سردار هم‌استانی خود رفته بودند و در کوچه‌ای تنگ قفل شدند و هیچ‌گاه به خانه برگشتند. در آن روز و آن لحظات فشار و تنگی نفس، دست‌کم ۲۱۳ نفر هم زخمی شدند که همین چند روز پیش یکی از آنها نیز راهی سرای ابدی شد و دست‌کم دو نفر دیگرشان هم در بخش‌های ویژه بیمارستان‌های کرمان بستری‌اند.

قفل‌شدن در «بهشتی ۲»: فاجعه‌چطور اتفاق افتاد؟

نیش کوچه بهشتی ۲ و در ورودی اولین کوچه از سمت میدان آزادی، بدلیجات فروهر قرار دارد. مرد و زنی در این مغازه به کار مشغول‌اند که روز حادثه در بین جمعیت بودند. خانم کارگر این مغازه می‌گوید که در همین کوچه آسیب دیده و با لطف خدا حالا نفس می‌کشد: «سر همین کوچه و درست جلوی مغازه پای چند نفر به این نرده‌ها گیر کرد و جمعیت قفل شد. من شانس آوردم و دوتتر از موج جمعیت به کوچه رسیدم، هرچند هنوز پایم بی‌حس است. من دقیق نمی‌دانم چه اتفاقی بعد از ما رخ داد، ولی برادرم همین‌جا آسیب دید و به کما رفت». شماره برادرش، «بهنام قادری» را می‌گیرد و هماهنگ می‌کند که برای توضیح به محل حادثه بیاید. بهنام کارگر یک جوشکاری است و چند ساعت بعد با روایتی تازه به محل حادثه می‌رسد. روایتی که از زبان دیگر حادثه‌دیدگان هم تکرار می‌شود و به نظر می‌آید شرح دقیق حادثه است. جوانی لاغر که آن روز جان‌دادن چندین نفر را به چشم دیده و مرگ را حس کرده، همچنان از عملکرد مسئولان عصبانی است. بهنام آن روز با احمد، رفیق ۱۰ساله‌ای که مانند برادرش است، به مراسم رفته و حالا با هم به محل حادثه و کوچه بهشتی ۲ برگشته‌اند. بهنام توضیح می‌دهد که ماجرا از زمانی شروع شد که سخنرانی سردار سلامی به پایان رسید و خودرو حامل پیکر سردار به سمت کوچه بهشتی به حرکت درآمد: «سخنران که تمام شد، آقای نظام اسلامی که مجری بود، گفت همه پشت سر شهید و در خیابان بهشتی حرکت کنید، خیابان پر بود». آن‌طورکه شاهدان عینی و حاضران در مراسم تشییع روز سه‌شنبه کرمان می‌گویند، مراسمی در میدان آزادی در جریان بود که پس از پایان آن، همه باید وارد یکی از خیابان‌های متصل به این میدان یعنی بهشتی می‌شدند. ابتدای خیابان تعیین‌شده برای مراسم، بهشتی نام دارد که پس از چندصدمتر و گذر از اولین چهارراه، شریعتی نامیده می‌شود. جمعیت میدان به سمت خیابان بهشتی روانه می‌شوند، اما این خیابان باریک، پر از جمعیت بوده است، «جمعیت که حرکت نکرد، جمعیت حاضر در خیابان برگشتند که حرکت کنند به سمت شریعتی. سه، چهار نفر زمین خوردند؛ درهمین حال که می‌خواستند جهت خود را تغییر دهند، زمین خوردند؛ یعنی آن‌قدر فشار جمعیت زیاد بود. چهار، پنج نفر از ماموران و بسیجیان دست هم را گرفتند که جلوی موج جمعیت را بگیرند و این چهار نفر را نجات دهد. با این سدی که ایجاد شد یک مرتبه موج جمعیت به سمت نزدیک‌ترین کوچه روانه شدند. من و احمد هم بین همین جمعیت بودیم، چند متر پس از ورودی کوچه بهشتی ۲ راه بسته بود و نرده‌هایی که برای بازرسی ایجاد شده بودند، حالا سدی در مقابل موج جمعیت بود. «چند نفر پشت میله‌ها در یک حالت ۱۰ درجه پرس شدند. یعنی از کمر روی میله‌ها خم شده بودند از پشت هم موج جمعیت فشار می‌آورد. نه راه پیش نبود و نه راه پس. پشت نرده‌ها هم چند جوان بسیجی ایستاده که شوکه شده بودند. نمی‌توانستند درایت را باز کنند چون آچار نداشتند و همین‌طور مرگ مردم را در دیدند، دست‌آچاه شدند». ادامه بحث را احمد پیش می‌گیرد. آنها کنار هم در فاصله چندمتری داریست بین جمعیت گیر کرده بودند: «من و بهنام به فاصله چند متر از نرده‌ها بودیم. چهار، پنج نفر از روی سر ملت خودشان را به پشت نرده‌ها رساندند. این چیزی که می‌گویم حدود نیم‌ساعت طول کشید و در همین حالت بودیم. چند نفر از همسایه‌ها به پشت‌بام رفتند و با شلنگ آب روی جمعیت پاشیدند. یک کم نفس گرفتیم. من خودم حقیقتاً خیلی بد و بیراه گفتم به همین چند نفری که اینجا را بسته بودند. یکی از پشت به من زد و گفت می‌خواهی زنده بمانی، گفتم بله. گفت پس داد و بیداد نکن، چون کسی به تو کمک نمی‌کند و انرژی‌ات را بگذار چند نفر بماند

جامعه

«شرق» در گفت‌وگو با مصدومان و خانواده‌جان‌باختگان مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی گزارش می‌دهد

روایت ۴۸ دقیقه برزخی؛ ۶۲ قربانی



پیکر

قربانان

فارس

که چند دقیقه بیشتر زنده بمانی». احمد حالا ساکت شده بود و سعی می‌کرد راه نفشش را باز بگذارد: «یک کم جان گرفتم. اشهدم را خوانده بودم. خون هم از جریان افتاده بود و نفس هم به سختی بالا می‌آمد و قشنگ حس می‌کردیم داریم می‌میریم. ما مثل دو برادریم و ۱۰ سال است که با هم هستیم. من چهار بار کربلا رفته‌ام. توی دل خودم گفتم خدایا اگر بچه‌های من ذره‌ای آبرو پیشش تو دارند، نجاتم بده. همین را که گفتم یک نفر گفت می‌ای یک برنامه بریزیم و خودمان را نجات دهیم. گفت برویم از روی مردم و خود را به آن طرف برسانیم. گفتم حقیقتا من پاهایم حس ندارند، تو برو. گفت من که بروم شاید جای پاهایت آزاد شد و تو هم نتوانستی بیایی. دستش را روی شانه بهنام گذاشت و بهنام کلا پایین رفت و بی‌هوش شد.

بهنام می‌گوید در این لحظات نگاهش به سمت دیگری بود چون نمی‌خواست لحظه جان‌دادن رفیق ۱۰ساله‌اش را ببیند و در این لحظه هم احمد چندان بهنام را نمی‌دید. «دیگر بهنام را ندیدم. من خودم هم حقیقتاً؛ حالا خدا ببخشد من را، نبخشد من را، ولی حقیقت را می‌گویم، دست گذاشتم روی شانه نفر جلوتر و خودم را به بالای مردم رساندم. نمی‌دانم آن که سوارش شدم، زنده ماند یا نماند. خودم را مثل غلتک روی سر مردم جلو می‌بردم تا این دو مرت تمام شد و به آن طرف نرده‌ها رسیدیم. سوار آدم‌ها رفتم. دروغ نمی‌توانم بگویم. آن طرف که رسیدم دیگر بی‌هوش شدم و خواهرخانم و بقیه فامیل‌ها برای کمک سراغم را گرفتند». می‌گویند هر کسی می‌توانست سوار آدم‌های می‌رفت و هر کسی هم نمی‌توانست، همان‌جا زیر دست و پا له می‌شد. این رفتارها حالا مانند غدابی وجدان احمد را آزار می‌دهد اما می‌گوید هیچ راه دیگری وجود نداشت: «پشت سر من یک پیرمرد دست پسرش را می‌گرفت و هی ذکر و یا حسین یا حسین می‌گفت و آخر هم همان‌جا پایین رفت و مرّد. خفه شد. همین کنار ما بود. ما می‌دیدیم که آدم‌ها می‌میرند. دو خانم دیگر هم کنار دست‌مان مردند. آدم‌ها که می‌مردند، سیاه می‌شدند و این چند جوان بسیجی هم ترسیده بودند و نمی‌دانستند چه کاری کنند. من که به آن طرف رسیدم بعد از چند دقیقه به هوش آمدم و دیدم دارند نرده‌ها را باز می‌کنند». داریستی که برای بازرسی مردم ایجاد شده بود، حدود ۴۵ دقیقه بعد از حضور مردم در این کوچه باز شد و جان‌های زخمی فراوانی نجات پیدا کردند. کوچه بهشتی در ساعت ۱۲ ظهر روز سه‌شنبه حادثه را پشت سر گذاشته بود و حالا این چند متر پر از کفش و لباس پاره بود. احمد نجات پیدا کرد و بهنام پاهایش شکسته شد، قفسه سینه‌اش آسیب دیده بود اما در بیمارستان نجات پیدا کرد.

ناراضی‌ای از امداد رسانی پس از حادثه

اگرچه رئیس اورژانس کرمان از رسیدگی به مصدومان در کمترین زمان ممکن به «شرق» می‌گوید اما بهنام و احمد چندان رضایتی از امداد رسانی ندارند. بهنام می‌گوید: «الان نمی‌توانم کار کنم، یک قاشق که غذا می‌خورم قفسه سینه‌ام درد می‌گیرد. پاهایم هیچ حسی ندارد. ۴۵ دقیقه اینجا بودیم و بعد کم‌کم داریست را باز کردند. یک پزشک لباس شخصی سیرجانی به ما تنفس دهان به دهان داد و کمی جان گرفتیم. اینجا هیچ کسی رسیدگی نمی‌کرد. من را بیمارستان سیدالشهدا بردند. در روز خانه جان می‌دادم ولی بیمارستان رسیدگی درستی نداشت». مشابه این روایت را مصدومان دیگری هم بیان می‌کنند و با پزشکی با لباس‌شخصی می‌گویند که در اولین لحظات پس از بازشدن داریست، به یاری آنها شتافه و جان‌شان را نجات داده است.

چند متر جلوتر از کوچه حادثه؛ نجات از طریق کتاب فروشی

پس از جان‌باختن چهار نفر در خیابان اصلی و هجوم موج جمعیت به سمت اولین کوچه، خیابان بهشتی همچنان قفل بود و گروهی با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کردند. این روایت فردی است که در کتاب‌فروشی این صحنه را به چشم دیده است و فیلم‌های دوربین‌مدارسته مغازه‌اش هم صحت سخنانش را تأیید می‌کند. آن‌طور که «مصطفی» می‌گوید، کتاب‌فروشی آنها برای استفاده از برق آن باز بود و پس از هجوم موج جمعیت، در این کتاب‌فروشی باز می‌شود تا افرادی وارد شوند و از در دیگر خارج شوند.

او می‌گوید ده‌ها نفر به همین شکل نجات پیدا کردند: «دیگ مرتبه دیدم در و دیوار در حال لرزیدن است. صدای جیغ و ناله و داد وحشتناک بود. در را

آمدند. برای عرض تسلیت آمدند و چیزی نگفتند. یکی، دو بار از فرمانداری مدارک خواستند و برایشان بردیم. گفتند قرار است که هزینه‌ای برای کفن‌ودفن پرداخت شود». او می‌گوید تاکنون مقصری اعلام نشده و حتی خبری از اعلام شهادت هم به آنها داده نشده است: «من که نمی‌توانم برادرم را زنده کنم و نمی‌توانند هم او را زنده کنند. با بی‌مسئولیتی این اتفاق تلخ رخ داده و من می‌خواهم فرزندش را تنها نگذارند و شهید اعلام شود. خودش که رفت، حداقل بجاش پشتیبان داشته باشد».

تعداد آمبولانس و امداد کمرناسب بود؟

در روزهای سیری‌شده از حادثه‌ای که ده‌ها نفر را به دیار باقی فرستاد و صدها نفر را هم روانه بیمارستان کرد، بحث مقصر یا مقصران احتمالی چندان جدی مطرح نشد و حتی مسئولانی هم از بی‌تقصیری اجراکنندگان سخن به میان آوردند. در این‌بین اما تعدادی از کم‌توجهی نیروهای امدادی یا حضورنداشتن آنها می‌گویند؛ موضوعی که رئیس اورژانس کرمان آن را رد می‌کند. «محمد صابری» دراین‌باره و در پاسخ به اینکه «بیش از حادثه چه کاری انجام دادید؟»، می‌گوید: «ما در تمام مسیر آمبولانس چیده بودیم، در خیابان اصلی ۲۶ آمبولانس چیده بودیم، ۴۰ نفر پیاده با کوله‌پشتی تجهیزات، با فاصله از خیابان بودند و در لایه دوم ۱۲ دستگاه آمبولانس چیده بودیم و در لایه سوم هم ۱۳ دستگاه آمبولانس وجود داشت که آدرس آنها به اطلاع مردم رسیده بود. در همان نقطه دو دستگاه آمبولانس قرار داشت. صابری می‌گوید که در لحظه حادثه، نزدیک به محل بوده و حتی حدود ۵۰ کودک هم در اولین دقایق به دو آمبولانس منتقل می‌شوند: «قبل از آنکه تراکم شدید شود، ۴۰ نفر از بچه‌ها را از دست مردم گرفتیم و داخل آمبولانس‌ها بردیم که اگر این کار نمی‌شد، شاید الان تلفات ۵۰ نفر بیشتر بود. تراکم جمعیت اجازه حضور نیرو بین مردم را نمی‌داد و کسی نمی‌تواند کمک کند. در لحظه اولیه همان چهار دستگاه آمبولانس و اتوبوس آمبولانس تعداد زیادی را به بیمارستان منتقل کردند».

آیا آ تا در رisan طلایی اینن آمبولانس‌ها و امدادگران به یاری مردم رسیدند؟

چندان طول نکشید. ۴ آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس که بود و بعد هم بقیه رسیدند.

آ این تعداد آمبولانس کم نبود؟

نه. اگر بیشتر بود شاید حادثه بدتر می‌شد و آمبولانس جای نیروهای امدادی را پر می‌کرد. حادثه شبیه سقوط یک اتوبوس به ته دره است که تعداد زیادی جان دادند و هرچه تعداد آمبولانس بیشتر باشد، کمک نمی‌کند. اینن حادثه باید پیشگیری می‌شد و نه درمان. همه تقریباً همان لحظات اول جان باختند و تمام.

آ ولی فلیله‌هایی هم هست که نشان از کمبود نیرو دارد و یک نفر چند نفر را سی‌بی‌آر می‌کند.

سه، چهار نفر را سی‌بی‌آر می‌کند. یک نفر دارد سه، چهار نفر فوستی را برای تسکین خانواده‌ها و تسلاای دل اطرافیان بررسی می‌کند. این افراد خفه شده بودند و بیشتر بودن نیروی اورژانس کمکی نمی‌کرد.

آ شما می‌گویید که تعداد نیرو و آمبولانس استاندارد و کافی بوده است؟

آ از شما پیش از روز مراسم پیشنهادی خواسته نشد؟

در جلسات بودیم ولی در نهایت آقایان تصمیم گرفتند که این مسیر انتخاب شود. این کار باید قبل از وقوع حادثه پیشگیری می‌شد و بعد از وقوع واقعا راهی برای کنترل و کاهش تلفات وجود نداشت. اینکه فکر کنید تعداد نیروهای اورژانس کم بود و اگر بیشتر بود، تلفات کمتر می‌شد، واقعا نادرست است.

آ چه اتفاقی باید رخ می‌داد که انجام نشد؟

مردم خودشان باید رعایت می‌کردند. وقتی با این شد و این تراکم جمعیت بازهم فشار می‌آورد، همین می‌شود.

آ ولی مردم عملا در فضایی گیر کردند.

نه مردم حرکت کردند. مردم دو ساعت قبلش در همین مکان ایستاده بودند ولی حرکت کردند و این اتفاق رخ داد. مردم حرکت نمی‌کردند شاید یک نفر هم آسیب نمی‌دید.

آ ولی قابل پیش‌بینی بود که وقتی ماشین حامل پیکر برسد، مردم هم حرکت می‌کنند.

من اگر بودم، حرکت نمی‌کردم. من اگر در آن جمعیت بودم، حرکت نمی‌کردم. برای چه در این تراکم جمعیت و با این جمعیت حرکت کنم؟ فقط حرکت و هجوم جمعیت باعث این اتفاق شد. آن لحظه فقط حرکت نکردن جمعیت می‌توانست مانع حادثه شود.

آ ولی همه این موارد قابل پیش‌بینی بود و باید پیش‌بینی می‌شد.

ولی به‌رحال نمی‌شود یک فرد یا نهاد خاص را مقصود عنوان کرد. این در حیطه اختیارات من نیست. ولی چون هی می‌پرسید، باید بگویم که آن زمان دیگر کاری نمی‌شد انجام داد.

آ در این شرایط چه کاری باید انجام داد؟

نباید فشار آورد یا حرکت کرد. نشستن یا پایین آوردن سر خطرناک نیست. برگشت به عقب یا هرکدام

از این موارد ضررات فراوانی دارد.

خبر

انتقاد استانداری از شهرداری

● **ایلنا**: معاون عمرانی استاندار تهران با بیان اینکه شهرداری تهران هنوز نتایج طرح کاهش آلودگی هوا را به استانداری نداده است، گفت: به فرماندار تهران اعلام کرده‌ایم، درخصوص افزایش عوارض ورود به محدوده طرح تا اعلام نتایج بررسی‌ها از سوی شهرداری دراین‌باره تصمیم‌گیری نکنند. «محمد تقی‌زاده» درباره محدوده طرح کاهش آلودگی هوا در سال آینده گفت: نه شهرداری تهران و نه پلیس تاکنون طرحی را به ما یا به شورای‌عالی‌ترافیک تهران درخصوص طرح کاهش و پیشنهاداتشان در این زمینه برای سال آینده ارائه نکرده‌اند. قطعاً اگر طرحی به ما برسد که قابل بررسی باشد، بررسی می‌کنیم. وی با اشاره به اینکه شنیده‌ام شهرداری درباره عوارض ورود به طرح کاهش، موضوعاتی را مطرح و به شورای شهر تهران پیشنهاد کرده است، گفت: به فرماندار تهران اعلام کرده‌ایم که تصمیمی در این زمینه گرفته نشود، چراکه شهرداری تهران به ما قول داده بود تا اثرات طرح کاهش را بررسی و نتایج را به ما اعلام کند و تصمیمات جدید درخصوص اخذ عوارض یا اصل اجرای طرح کاهش را به دریافت نتایج بررسی‌ها موکول کنیم.

هشدار WHO درباره تهدید مقاومت میکروبی

● **ایسنا**: سازمان جهانی بهداشت (WHO) در گزارش تازه‌ای اعلام کرد: کمبود آنتی‌بیوتیک‌های جدید، اقدامات و تلاش‌های جهانی به منظور کنترل عفونت‌های مقاوم به دارو را تهدید می‌کند. در گزارش سازمان جهانی بهداشت آمده است: کاهش میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نبود نوآوری‌ها در تولید داروهای آنتی‌بیوتیک جدید، تلاش‌ها و اقدامات جهانی برای مقابله با عفونت‌های مقاوم به دارو را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. درحالی‌که بررسی و آزمایش روی داروهایی که در مراحل اولیه تولید قرار دارند جدید و خلاقانه‌تر است، اما چندین‌سال زمان نیاز دارد تا دارویی تهیه شده و به دست بیماران برسد. «دروس آدهانوم قریبوسوس»، دبیرکل سازمان جهانی بهداشت گفت: در هیچ زمانی تهدید مقاومت میکروبی به این اندازه جدی و فوری نبوده است و در چنین شرایطی نیاز به ارائه راهکاری اثربخش ضروری است. اقدامات و طرح‌های متعددی برای کاهش سطح مقاومت میکروبی در حال انجام است، اما نیاز است تا کشورها و صنعت داروسازی گام‌های تازه را سرعت بخشیده و به سرمایه‌گذاری پایدار و تولید داروهای جدید مشارکت داشته باشند. به گزارش سایت اطلاع‌رسانی این سازمان، از ۵۰ داروی آنتی‌بیوتیکی که در خط تولید قرار دارد، ۳۲ مورد از آنها باتوزن‌های در اولویت فهرست سازمان جهانی بهداشت را هدف قرار داده، اما اکثریت آنها در مقایسه با داروهای آنتی‌بیوتیک موجود فواید محدودی دارند.

۳۰ بهمن؛ آخرین مهلت پزشکان برای ثبت‌نام کارت‌خوان

● **ایسنا**: معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی جزییات الزام پزشکان به نصب کارت‌خوان در سامانه سازمان امور مالیاتی را تا ۳۰ بهمن‌ماه شریع کرد. محمد جهانگیری با اشاره به جزییات تفاهم‌نامه سازمان نظام پزشکی با سازمان امور مالیاتی مبنی‌بر الزام پزشک‌ها به نصب کارت‌خوان تا ۳۰ بهمن‌ماه سال جاری، گفت: ابتدا زمان اجرای این قانون با توجه به نیاز به آماده‌کردن زیرساخت‌ها تا ابتدای مهرماه سال جاری مشخص شده بود، اما با توجه به شرایطی که ایجاد شد و برخی مسائل حاشیه‌ای که به وجود آمد، این اتفاق نیفتاد. باید توجه کرد که جامعه پزشکی از اقصای ایران که در سال ۱۳۹۷ که بحران‌های بالای اقتصادی ایجاد شد، همراه مردم حرکت کردند، اما بر اساس جوسازی‌هایی که در زمینه نصب کارت‌خوان به وجود آمد و از طرفی با توجه به آماده‌نبودن زیرساخت‌ها در مراحل اولیه، این قانون در زمان تعیین‌شده انجام نشد و بر این اساس سازمان نظام پزشکی با برخی مشکلات مالیاتی جلسات متعددی را برای رفع مشکلات سازمان در این زمینه برگزار کردند.جهانگیری تأکید کرد: درحال‌حاضر گردش کار در جامعه پزشکی آغاز شده است، به‌طوری‌که ابتدا اطلاع‌رسانی لازم را انجام داده و سپس موضوع توسط رژیسرای شورای هماهنگی استان‌های نظام پزشکی مورد بررسی قرار گرفت و به تأیید آنها رسید، سپس این موضوع در کمیسیون مالیات شورای‌عالی سازمان نظام پزشکی مطرح شد و در نهایت در شورای‌عالی نظام پزشکی مطرح و با اکثریت آرا تأیید شد. بر این اساس قرار شد که همراهی با قانون و اجرای این قانون در جریان آرام و به دور از هرگونه تنش انجام شود. این اقدام برای اثبات این است که جامعه پزشکی به سمت قانون‌گرایی حرکت می‌کند. بر این اساس تا ۳۰ بهمن‌ماه سال جاری فرصت داده شد تا پزشکان اقدام به نصب کارت‌خوان کنند.وی درباره پزشکیانی که تا ۳۰ بهمن‌ماه اقدام به ثبت کارت‌خوان نکنند، گفت: رویکرد ما در وهله اول، دوم و سوم مذاکره و اطلاع‌رسانی است. حال اگر تا ۳۰ بهمن‌ماه برخی پزشکان برای ثبت کارت‌خوان اقدام نکنند، قرار است سازمان امور مالیاتی فهرست آن افراد را در اختیار ما قرار دهد تا ما ابتدا صحبت و سپس اعمال قانون کنیم که بر اساس قانون انجام می‌شود.